

# بررسی تأثیر فساد اقتصادی بر روی نابرابری درآمدی

(مطالعه موردی: کشورهای منتخب آسیای جنوب غربی)

وحید شقاقی شهری<sup>۱</sup>

دولت وفاداری<sup>۲</sup>

(تاریخ دریافت ۹۴/۹/۲۵ - تاریخ تصویب ۹۵/۲/۱۵)

## چکیده

در چندین دهه اخیر نگرش توسعه مبتنی بر رشد و بدون توجه به نحوه توزیع درآمدهای به دست آمده موجب گردید که اختلافات اجتماعی در کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه بدلیل تشدید شکاف طبقاتی بیشتر شود. از همین رو، در سالهای اخیر رویکرد جدیدی در اقتصاد حاکم گردیده که توسعه همراه با توزیع عادلانه را مینا قرار می دهد. با تغییر این رویکرد، مطالعات متعددی در خصوص توزیع درآمد و عوامل اثرگذار و پیامدهای حاصل از نابرابری انجام گرفت.

در مقاله حاضر نیز برای تبیین نحوه اثرگذاری فساد بر نابرابری درآمدی سعی گردید بعد از مروری بر ادبیات تجربی و تبیین نظری مکانیسم ارتباط بین فساد با نابرابری درآمدی، با استفاده از الگوی اقتصادسنجی پانل برای نمونه کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی، نحوه و میزان

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی تهران، دانشکده اقتصاد، vahidshaghghi@yahoo.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه خوارزمی تهران، دانشکده اقتصاد، vafadary\_68@yahoo.com

تأثیرگذاری فساد بر توزیع درآمد برآورد گردد. نتایج بدست آمده از برآورد نشان می‌دهد که ارتباط معنی‌دار و مستقیم بین میزان فساد با ضریب جینی کشورهای منطقه وجود دارد به گونه‌ای که بهبود یک واحدی شاخص فساد در بین کشورهای منطقه بطور متوسط حدود ۰/۷۳۶ واحد شاخص ضریب جینی آن‌ها را کاهش می‌دهد. طبق نتایج تخمین، رشد قیمت‌ها، افزایش جمعیت و نرخ بیکاری موجب افزایش شکاف درآمدی و بالعکس رشد تولید سرانه و نیز افزایش درآمدهای مالیاتی منجر به کاهش ضریب جینی و بهبود وضعیت توزیع درآمد در کشورها شده است.

**واژگان کلیدی:** فساد، نابرابری درآمدی، پانل دیتا.

#### ۱- مقدمه

تا چندین دهه اخیر اقتصاددانان توسعه به جای توجه به مسئله توزیع درآمد و رفع نابرابری‌های شدید درآمدی میان آحاد جامعه بر ایجاد رشد اقتصادی و تسریع آن به ویژه در کشورهای فقیر تأکید داشتند. حتی نابرابری زیاد درآمدها لازمه رشد و کارآیی اقتصادی شمرده می‌شد، زیرا چنین استدلال می‌گردید که ثروتمندان نسبت به فقرا درصد قابل توجهی از درآمدهایشان را پس‌انداز می‌نمایند و انباشت پس‌اندازها است که می‌تواند به نوبه خود سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی را امکان‌پذیر سازد. همچنین کوزنتز از اقتصاددانان شهر معاصر که تحلیل‌هایی راجع به الگوی رشد تاریخی کشورهای توسعه‌یافته معاصر انجام داده است، اظهار داشته که اگر چه در جریان رشد اقتصادی در مرحله‌ای ابتدا نابرابری درآمدها میان گروه‌های درآمدی جامعه افزایش پیدا می‌کند اما پس از مدتی ثمرات ناشی از رشد اقتصادی نصیب گروه‌های فقیر و کم درآمد شده و متعاقب آن توزیع درآمدها در جامعه بهبود می‌یابد.

این طرز تفکر موجب گردید مدت‌ها به مسئله توزیع درآمد توجه کافی نشود، بطوری که غالب تحقیقات اقتصادی در گذشته پیرامون مسائلی نظیر رشد اقتصادی، اشتغال، کارآیی اقتصادی و تراز پرداخت‌ها بوده است و پیشرفت در زمینه نظریه‌های مربوط به توزیع درآمد و تجزیه و

تحلیل مسائل مربوط به آن به میزان قابل توجهی کمتر از توسعه نظریات دیگر در سایر زمینه‌های اقتصادی گردد. اما با توجه به بیش از یک دهه رشد اقتصادی نسبتاً سریع اقتصادی در کشورهای در حال توسعه مشاهده شد که ثمرات رشد اقتصادی، به دلیل نهادها و ساختارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی خاصی که حاکم در آن کشورها می‌باشد، اساساً یا همراهی برای یک سوم جمعیت کشورها نداشته یا مقدار آن بسیار ناچیز بوده است.

برخلاف نظریه فوق که نابرابری شدید درآمدها را لازمه رشد اقتصادی می‌داند، گروه دیگری از اقتصاددانان در رد آن دلایل زیر را اظهار می‌دارند:

قسمت قابل توجهی از درآمد ثروتمندان در کشورهای در حال توسعه (که غالباً از ملاکین بزرگ، سوداگران و تجار عمده، سرمایه‌داران وابسته، گروه‌های ممتاز حاکم و وابستگان به نظام سیاسی می‌باشند) به جای سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تولیدی، صرف خرید کالاهای مصرفی تجملی وارداتی، ساختن خانه‌های مجلل و گران‌قیمت، مسافرت‌های خارج از کشور، خرید طلا، جواهرات و اشیاء زینتی و عتیقه و یا خرید ویلا و افتتاح حساب بانکی در خارج از کشور می‌گردد که اینگونه مخارج مانع سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تولیدی و در نتیجه عدم پیشرفت و توسعه اقتصادی اجتماعی در کشورهای فوق‌الذکر می‌گردد. علاوه بر آن نابرابری شدید درآمدها موجب می‌شود ثروتمندان که درصد کوچکی از کل جمعیت را تشکیل می‌دهند، بعلت قدرت خرید بالای خود بر بازار حاکمیت پیدا کنند و چون تقاضایشان برای کالاهای مصرفی تجملی و گران قیمت بیشتر است، بنابراین الگوی تولید در داخل و واردات را مطابق ارجحیت‌های مصرفی خود و نه منفعت جامعه درآورند. حتی در شرایطی که ممکن است غالب جامعه در فقر مطلق به سر ببرند. از آنجا که تولید این قبیل کالاها معمولاً محتاج روش‌های تولیدی سرمایه‌بر در مقایسه با کالاهای ضروری می‌باشد که نسبتاً روش‌های کاربری را می‌طلبد، لذا منجر به اشتغال کمتر و افزایش سود در مقایسه با سهم نیروی کار در تولید (از جمله سود شرکت‌های خارجی سازنده و صادرکننده این کالاها) شده در نتیجه اختلاف درآمدی میان ثروتمندان و فقرا را از بیش از پیش می‌کند. برعکس بهبود در توزیع درآمدها که با افزایش سهم

نسبی درآمد گروه‌های فقیر و کم درآمد جامعه صورت می‌پذیرد، تقاضای کل را برای کالاهای ضروری نظیر پوشاک، مسکن، محصولات غذایی و نظایران که امکان تولید آنها در داخل کشور وجود دارد، بجای تولید و ورود کالاهای مصرفی تجملی گران‌قیمت، افزایش داده و موجبات رشد اقتصادی را در داخل کشور فراهم می‌سازد. علاوه بر دلایل فوق بهبود در توزیع درآمدها موجب بالارفتن سطح زندگی اقشار وسیعی از توده‌های مردم از طریق بهبود در امور بهداشت، تغذیه و سواد آنان می‌شود که در نتیجه باعث افزایش بهره‌وری آنان در تولید و تقویت انگیزه آنها به مشارکت در اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی اجتماعی جامعه می‌گردد، زیرا هرگاه قدرت اقتصادی سیاسی در دست گروه معدودی باشد و مردم در امور مشارکت نداشته باشند، برنامه توسعه اقتصادی اجتماعی غالباً موفق نمی‌باشد. همچنین مطالعات جامعه‌شناسان و روانشناسان نیز نشان می‌دهد که ریشه بسیاری از بیماری‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی نظیر جنایات، سرقت‌ها، از هم پاشیدگی خانواده‌ها، ناهنجاری‌های روانی، بی‌ثباتی‌ها و ناآرامی‌های سیاسی و اجتماعی معلول تبعیض و اختلافات شدید درآمدی میان اقشار جامعه می‌باشد. اینگونه مشاهدات موجب شد که در سال‌های اخیر جهش قابل توجهی در ادبیات مربوط به توزیع درآمد و فقر بوجود آید و اندیشمندان رشته‌های گوناگون علوم اجتماعی و انسانی نظیر اقتصاددانان، جامعه‌شناسان، انسان‌شناسان و کارشناسان علوم تغذیه به بررسی مسئله فقر و نابرابری درآمدها بپردازند.

امروزه بهبود در توزیع درآمدها و مبارزه با فقر و کاهش نابرابری جزء اهداف عمده استراتژی توسعه اقتصادی و اجتماعی و حتی از وظایف مهم دولت‌ها محسوب می‌شود. برخی از اقتصاددانان برای نشان دادن اهمیت مسئله توزیع درآمد، نابرابری درآمدها و وضعیت توزیع درآمد در هر جامعه را یکی از ملاک‌های ارزیابی هر نظام اقتصادی تشخیص داده‌اند. با وجود اینکه اینگونه ملاک‌ها و معیارهای سنجش برای هر نظام اقتصادی جنبه نظری دارد و از دیدگاه افراد گوناگون می‌تواند تغییر نماید، اما به هر حال نشان می‌دهد موضوع چگونگی توزیع درآمد میان اشخاص جامعه از اهمیت قابل توجهی برخوردار شده است.

تغییر رویکرد دولت‌ها به سمت مباحث توزیع درآمد و مقوله نابرابری‌های درآمدی نیز موجب گردیده تا مطالعات چشمگیری در طی سال‌های اخیر در خصوص اندازه‌گیری، علل و پیامدهای نابرابری درآمدی انجام گیرد. در زمینه ادبیات مربوط به «علل نابرابری درآمدی» بصورت خلاصه عوامل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی از قبیل میزان رشد اقتصادی<sup>۱</sup>، میزان صنعتی شدن، میزان تحرک اجتماعی، میزان مشارکت، نظام مالیاتی، تورم و فشار قیمت‌ها، رکود و کساد، مقبولیت‌های اجتماعی، انحصارات و رانت‌های مختلف، سطح بهداشت و آموزش<sup>۲</sup>، و ... مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است.

در مقاله حاضر نیز بنا به اهمیت موضوع، به بررسی و نحوه اثرگذاری فساد بر توزیع درآمد و نقش آن در ایجاد و گسترش نابرابری‌های درآمدی پرداخته و بدین منظور مقاله به شکل زیر سازماندهی شده است. بعد از مقدمه‌ای کوتاه، بخش دوم مقاله، ضمن معرفی مختصری از شاخص‌های توزیع درآمد، جایگاه کشورهای منتخب آسیای جنوب غربی را از لحاظ عملکرد اقتصادی با محوریت توزیع درآمد در این منطقه و ارتباط آنها با مؤلفه‌های سلامت اقتصادی این کشورها بصورت اجمالی توصیف می‌کند. بخش سوم بحث و بررسی ارتباط تئوریک بین فساد و نابرابری درآمدی را شامل می‌گردد. بخش چهارم نیز مروری بر برخی مطالعات تجربی مرتبط با فساد و نابرابری خواهد داشت. معرفی الگو، تخمین، تفسیر و ارائه نتایج در بخش‌های بعدی آورده شده و در بخش پایانی نیز جمع‌بندی و توصیه‌های سیاستی ارائه می‌شود.

## ۲- جایگاه منطقه کشورهای آسیای جنوب غربی (با محوریت شاخص‌های توزیع درآمد و فساد)

### ۲-۱- معرفی کشورهای آسیای جنوب غربی و مروری بر عملکرد اقتصادی منطقه

۱- Bigsten, A. and Levin, J. (2000)

۲- Fields, G. S. et.al (1998)

۳- آمار موجود برگرفته از سایت بانک جهانی [www.worldbank.org](http://www.worldbank.org) می‌باشد.

منطقه آسیای جنوب غربی یک منطقه بسیار بزرگ و متنوع می‌باشد. منظور از منطقه کشورهای آسیای جنوب غربی، منطقه‌ای است که ایران تقریباً در کانون آن قرار دارد و زیرسیستم‌های منطقه خلیج فارس (شامل: عربستان، امارات، کویت، قطر، عمان و بحرین و همچنین یمن)، منطقه خاورمیانه کوچک (شامل: عراق، سوریه، مصر، ترکیه، قبرس، فلسطین)، منطقه آسیای مرکزی (شامل: ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، قزاقستان و قرقیزستان)، منطقه قفقاز (شامل: آذربایجان، ارمنستان و گرجستان) و منطقه غربی شبه قاره (شامل: افغانستان و پاکستان) را دربرمی‌گیرد.

مروری گذرا بر عملکرد اقتصادی منطقه کشورهای آسیای جنوب غربی نشان می‌دهد که این منطقه در سال ۲۰۱۳ دارای حجم اقتصادی معادل با ۴۱۳۳/۵۹ میلیارد دلار<sup>۳</sup> می‌باشد که سهمی حدود ۵/۴۶ درصد از اقتصاد جهانی را شامل می‌شود. همچنین با مقایسه این نسبت در سال‌های مختلف ملاحظه می‌گردد که سهم تولید ناخالص داخلی کشورهای منطقه از تولید جهانی در طی سال‌های اخیر از یک روند صعودی برخوردار است. اما باید اذعان داشت که نسبت بسیار کمی از تولید جهانی را به خود اختصاص داده است. باید اذعان داشت که عملکرد اقتصادی کشورهای منطقه در سال‌های اخیر به خصوص در کشورهای آسیای میانه از روند خوبی برخوردار بوده است. ادامه روند افزایش قیمت نفت و همچنین کالاهای غیرنفتی و ثبات در رشد اقتصاد جهانی، محیط مطلوب بین‌المللی را از لحاظ تأمین مالی و همچنین استفاده از سیاست‌های اقتصادی در این کشورها فراهم آورده است که در عملکرد خوب اقتصادی برخی از این کشورها بسیار مؤثر بوده است. در بخش پولی، در مجموع تورم و رشد قیمت‌ها وجود دارد، به گونه‌ای که علیرغم سیاست‌های پولی سخت‌گیرانه، بطور متوسط نرخ تورم برای کشورهای منطقه در حدود ۶ درصد در سال ۲۰۱۳ بوده است<sup>۱</sup>. وجود ریسک‌های بالا و عدم تأمین بازارهای

۱- آمار موجود برگرفته از سایت بانک جهانی [www.worldbank.org](http://www.worldbank.org) می‌باشد.

سرمایه منسجم و کارآمد جزو مسایل فراروی کشورهای منطقه به شمار می‌رود. همچنین تداوم رشد و حتی شتاب بخشیدن به آن به منظور کاهش فقر و بیکاری مهمترین چالش اقتصادی منطقه می‌باشد.

## ۲-۲- نحوه توزیع درآمد در بین کشورهای منطقه

بالا بودن سطح درآمد برای بالا بودن سطح زندگی در جامعه شرط لازم است. اگر درآمد جامعه‌ای بالا ولی توزیع آن نامتعادل باشد، در این صورت بسیاری از مردم جامعه ممکن است در فقر به سر ببرند. از ساده‌ترین شاخص‌هایی که برای توزیع درآمد استفاده می‌شود، مقایسه سهم دهک‌ها یا سهم ۴۰ درصد اقشار کم درآمد با ۲۰ درصد اقشار پردرآمد است. علاوه بر مقایسه سهم دهک‌ها، محاسبه ضریب جینی می‌تواند شاخص مناسبی برای بیان وضعیت توزیع درآمد باشد. این ضریب اولین بار توسط کورادو<sup>۱</sup>، آماردان ایتالیایی در سال ۱۹۱۲ میلادی به عنوان معیاری برای اندازه‌گیری نابرابری توزیع استفاده شد. بطوری که ضریب به عنوان نسبتی بین صفر و یک بوده و شمارنده فضای بین منحنی توزیع لورنز (Lorenz Curve)<sup>۱</sup> و خط توزیع یکسان (Uniform Distribution Line) محسوب می‌شود. برای اندازه‌گیری این نسبت نیز صورت و مخرج کسر به ترتیب فضای زیر منحنی توزیع لورنز و خط توزیع یکسان می‌باشد. همانطور که بیان شد این ضریب معمولاً به عنوان معیاری برای اندازه‌گیری نابرابری درآمدی به کار می‌رود که عدد صفر نشان دهنده برابری کامل درآمدی و عدد یک بیانگر نابرابری کامل درآمدی است. این شاخص همچنین برای بیان نابرابری ثروتی نیز استفاده می‌شود. آمار منتشره سازمان ملل از رتبه‌بندی کشورهای منتخب جهان براساس ضریب جینی در سال ۲۰۱۳ بیانگر این

۳- منحنی لورنز بیان می‌کند که X درصد از خانوارها، چند درصد از کل درآمد را در اختیار دارند.

۴- لازم به ذکر است که آمارهای منتشره سازمان ملل برای یک سال مشخص در دسترس نبوده و آخرین اطلاعات کشورهای جهان در خصوص شاخص ضریب جینی که توسط سازمان مذکور گزارش گردیده، آورده شده است (www.transparency.org).

است که کشورهای توسعه یافته سوئد، اوکراین و نروژ به ترتیب با ضرایب جینی ۲۵ درصد، ۲۵/۶ درصد و ۲۵/۸ درصد سه کشور اول در کنترل نابرابری درآمدی محسوب می‌شوند. در حالیکه طبق آمار، کشور سیشل با ضریب جینی حدود ۶۵/۸ در بدترین شرایط از لحاظ برابری درآمدی قرار داشته و آخرین رتبه را در بین کشورهای جهان به خود اختصاص داده است. در ضمن، کشور ما نیز طبق آمارهای سازمان ملل با ضریب جینی ۳۸/۳ رتبه ۶۸ را در میان ۱۳۶ کشور جهان داشته است.<sup>۱</sup>

همچنین طبق آمارهای اخیر سازمان ملل در خصوص نحوه توزیع درآمد در بین کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی باید گفت که در منطقه، کشورهای ازبکستان (۳۶/۷ درصد)، قرقیزستان (۳۰/۳ درصد)، پاکستان (۳۰ درصد) بهترین وضعیت را از نظر وضعیت توزیع درآمد دارند. متوسط ضریب جینی منطقه نیز ۳۶/۲۵ درصد می‌باشد و ایران از نظر توزیع درآمد با ضریب جینی ۳۸/۳ درصد جزو کشورهایی است که بدترین وضعیت را در منطقه دارد.

### ۳-۲- وضعیت فساد در بین کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی

با معرفی اجمالی عملکرد اقتصادی منطقه آسیای جنوب غربی و نحوه توزیع درآمدها در این منطقه، نوبت به بررسی شاخص‌های فساد در بین کشورهای این منطقه می‌رسد. مطابق آمارهای سازمان بین‌المللی شفافیت، در بین کشورهای منطقه در سال ۲۰۱۳ شاخص فساد برای کشور قطر ۶/۸ گزارش شده و این کشور رتبه سی و دوم را در بین ۱۷۹ کشور به خود اختصاص داده و در بین کشورهای منطقه جایگاه اول را داراست. کشور ایران نیز در این مقطع با شاخص فساد ۲/۵ رده ۱۳۶ و ۱۲ را به ترتیب در دنیا و منطقه به خود اختصاص داده است.<sup>۲</sup> همچنین بانک جهانی نیز به عنوان یکی از معتبرترین سازمان‌های بین‌المللی از سال ۱۹۹۶ به این طرف مقوله‌ای را تحت عنوان حکمرانی خوب مطرح نموده و برای محاسبه این شاخص نیز از شش نماگر (پاسخگویی،

۱- آمار موجود برگرفته از سایت بانک جهانی [www.transparency.org](http://www.transparency.org) می‌باشد.

۲- آمار موجود برگرفته از سایت بانک جهانی [www.transparency.org](http://www.transparency.org) می‌باشد.



ثبات سیاسی، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات دولت و نظام اداری، حاکمیت قانون و توانایی دولت در کنترل فساد) بهره گرفته است. یکی از نماگرها برای تهیه شاخص کلی حکمرانی خوب، عامل کنترل فساد (Control of Corruption) و عملکرد دولت‌ها برای مهار این معضل روبه تزايد بوده است. با نگاهی به آمار منتشره بانک جهانی برای نماگر کنترل فساد (بین صفر؛ عملکرد ضعیف و صد؛ عملکرد خوب) برای ایران و منطقه مشاهده می‌گردد که در بین کشورهای منطقه، همانند شاخص ادراک فساد، همچنان جایگاه دوازدهم در خصوص شاخص کنترل فساد به ایران اختصاص داده شده است.

در مجموع، براساس اطلاعات و آمارهای نهادهای بین‌المللی در خصوص شاخص‌های کنترل فساد، کشورهای منتخب آسیای جنوب غربی از عملکرد مناسبی برخوردار نبوده و غالب کشورهای منطقه جزء کشورهای با فساد بالا قلمداد می‌گردند.

### ۳- فساد زمینه‌ساز نابرابری در آمدی

افزایش فساد می‌تواند نابرابری در آمدی و فقر را از طرق کانال‌های متعددی از قبیل رشد، نظام مالیاتی، هدف‌گذاری ناکارآمد برنامه‌های اجتماعی، اثرگذاری بر مالکیت دارایی، شکل‌گیری سرمایه انسانی، نابرابری‌های آموزشی و نااطمینانی در عامل انباشت تحت تأثیر قرار دهد که در ادامه به تفصیل در خصوص هر یک از موارد فوق‌الذکر بحث و بررسی می‌گردد:

#### ۱- کاهش رشد

فساد بالا به دلایل زیر منجر به کاهش رشد و متعاقب آن افزایش فقر و نابرابری در جامعه می‌گردد:

اولاً، شواهد نشان می‌دهد که نرخ رشد بالاتر منجر به کاهش فقر و نابرابری خواهد شد (راوالین و کن، ۱۹۹۷)، و فساد نیز به عنوان عامل بازدارنده رشد، مانعی فراروی کاهش فقر و نابرابری است، به گونه‌ای که فساد مالی علاوه بر اثرات مستقیمی که بر بخش‌های فقیر جامعه دارد، در نهایت هزینه اخذی‌ها را نیز بر آنها تحمیل می‌کند که در اثر آن، بیش از پیش دچار محرومیت

می‌شوند (دویک و تئوبالد، ۲۰۰۰). در ضمن باید گفت که نابرابری درآمدی برای بهبود رشد زیانبار است (آلسینا و رودریک، ۱۹۹۴؛ پیرسون و تابلینی، ۱۹۹۴) و در صورتی که فساد نابرابری درآمدی را افزایش دهد، در نتیجه منجر به کاهش رشد شده و متعاقب آن، مانعی برای کاهش فقر خواهد بود (راوالین، ۱۹۹۷).

همچنین از دلایل این امر که «سطح بالاتر فساد، رشد اقتصادی را کاهش می‌دهد» باید اشاره نمود که: ۱- فساد با نقش بازدارندگی فراروی سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های اقتصادی بخش خصوصی موجب کاهش تولید و درآمدها و افزایش هزینه‌های دولتی می‌شود. ۲- فساد روند کار بازار و تخصیص منابع را مختل می‌کند، چرا که توان دولت را برای وضع مقررات کنترلی و نظارت‌های مورد نیاز برای اصلاح نقایص بازار کاهش می‌دهد. ۳- چنانچه دولت یا دولتمردان برای سوء استفاده و با هدف کسب منافع در امور دخالت کنند، مانند ایجاد انحصارهای دولتی برای منافع شخصی، خود به خود کارایی و بهره‌وری اقتصادی کاهش یافته و سطح تولید افت می‌کند. ۴- فساد انگیزه بخش خصوصی را از بین می‌برد و این بخش فعال را به سمت رانت‌جویی سوق می‌دهد و توان فعالیت‌های مؤثر و سازنده را کمتر می‌کند. ۵- فساد به صورت مالیات اضافی عمل کرده و هزینه‌های تولید را افزایش می‌دهد و مانع ورود بنگاه‌های اقتصادی به بازار می‌شود. ۶- فساد موجب کاهش یا اختلال نقش دولت - مانند اجرای قراردادهای حمایت از حقوق مالکیت خصوصی و ... می‌شود. زمانی که افراد خارج از تعهد خود عمل می‌کنند یا غیر از آنچه در قراردادها ذکر شده است، انجام می‌دهند یا بدلیل وجود فساد از حقوق مالکیت خود سوء استفاده کنند، در واقع یکی از نقش‌های اصلی دولت مخدوش شده و این مسئله تأثیر منفی بر رشد و توسعه خواهد داشت. ۷- فساد، قانونمندی اقتصاد بازار و در برخی موارد حقانیت مردم‌سالاری را زیر سؤال می‌برد. در بسیاری از کشورهای در حال گذر، معمولاً از مردم‌سالاری و اقتصاد بازار انتقادهایی می‌شود که اکثر آنها بدلیل وجود فساد مالی بوده است. از این رو می‌توان گفت که فساد مالی حرکت به سوی مردم‌سالاری و اقتصاد بازار را کند و حتی متوقف می‌سازد. ۸- در ضمن نتایج مطالعات انجام گرفته در حوزه ارتباط بین فساد و تجارت از قبیل

مطالعه وایی<sup>۱</sup> (۲۰۰۰) بیانگر این واقعیت است که فساد مالی و سوء مدیریت، به تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی بیش از فعالیت‌های بازرگانی و سرمایه‌گذاری در داخل کشور آسیب می‌زند. لامبزدورف (۱۹۹۸) نیز داده‌های تجارت دوجانبه بین سال‌های ۱۹۹۲ و ۱۹۹۵ را برای ۱۸ کشور صادرکننده و ۸۷ کشور واردکننده مهم بررسی کرده و ضمن بازبینی زبان‌های مشترک، فاصله جغرافیایی، ترکیب صادرات و بلوک‌های تجاری به این نتیجه می‌رسد که کشورهای با سطح پایین فساد در مقایسه با کشورهایی که فساد محسوب می‌شوند، دارای برتری‌های رقابتی تجارتی هستند.

## ۲- ناکارآمدی نظام مالیاتی

فساد می‌تواند منجر به گریز مالیاتی، مدیریت ضعیف و ناکارآمد مالیات، و معافیت مالیاتی برای گروهی از اقشار ثروتمند و مرفه جامعه گردد. همین موضوع می‌تواند پایه مالیاتی و نظام مالیات تصاعدی را مختل کرده و کاهش دهد که پیامد آن نیز افزایش نابرابری درآمدی خواهد بود.

## ۳- اختلال در نیل به اهداف برنامه‌های اجتماعی

فساد می‌تواند هدف‌گذاری برنامه‌های اجتماعی را که به سمت اقشار واقعاً نیازمند و فقیر جامعه است، تحت تأثیر قرار دهد. سوء استفاده از برنامه‌های تأمین مالی دولت برای گسترش منافع اقشار ثروتمند و مرفه جامعه، یا بهره‌برداری غیرقانونی از منابع مالی برنامه‌های فقرزدایی اثرات برنامه‌های اجتماعی را بر توزیع عادلانه درآمدها و فقر کاهش خواهد داد.

## ۴- تمرکز در مالکیت دارایی‌ها

تمرکز بالای مالکیت سرمایه می‌تواند سیاست دولت را تحت تأثیر قرار داده و نابرابری درآمدی را افزایش دهد. در جامعه‌ای که مالکیت دارایی در اختیار گروه کوچکی متمرکز باشد، مالکان دارایی می‌توانند با بهره‌گیری از قدرت و نفوذ در نهادهای دولتی بواسطه سهم بالای دارایی‌ها، سیاست‌های تجاری همچون نرخ ارز، برنامه‌های هزینه‌ای و عمرانی، و مالیات ترجیحی بر

دارایی‌هایشان را به نفع خود تغییر داده و همسو کنند. این سیاست‌ها نیز در کل به نفع این گروه بوده و بازگشت سرمایه را عمدتاً به این سمت سوق داده و لذا به افزایش نابرابری درآمدی دامن خواهد زد. بعلاوه، دارایی‌ها می‌تواند در طرح‌های مشارکتی قرض داده شده و سرمایه‌گذاری گردد، بنابراین نابرابری در مالکیت دارایی‌ها توانایی فقرا را برای قرض دادن و افزایش درآمد در طول دوران زندگی کاهش داده و فقر و نابرابری درآمدی را نهادینه می‌سازد (لی، اسکوایر و زو ۱۹۹۶، بردسال و لاندونو ۱۹۹۷).

### ۵- شکل‌گیری سرمایه انسانی، نابرابری‌های آموزشی و مخارج اجتماعی

فساد می‌تواند توزیع درآمد و فقر را از طریق اثرگذاری بر شکل‌گیری سرمایه انسانی و توزیع آن تحت تأثیر قرار دهد. اولاً چنانچه اشاره شد فساد، مدیریت مالیات را تضعیف کرده و می‌تواند منجر به فرار مالیاتی و عدم صحت در معافیت‌های مالیاتی گردد. بنابراین، در یک نظام مالیاتی، سطح بالاتر فساد، درآمد مالیاتی و منابع موجود را برای تأمین مالی تدارکات عمومی خدمات معینی نظیر آموزش کاهش می‌دهد. ثانیاً، فساد هزینه عملیات دولتی را افزایش داده و منابع موجود را برای بهره‌برداری در سایر بخش‌ها نظیر تأمین مالی مخارج اجتماعی که برای تشکیل سرمایه انسانی امری ضروری است، کاهش می‌دهد. در حقیقت، افزایش فساد با کاهش هزینه‌های آموزشی و بهداشتی همراه است (مارو، ۱۹۹۷). ثالثاً، طبقات مرفه و ثروتمند شهری از طریق نفوذ و رانت با نهادها و مقامات دولتی منجر به توزیع بیشتر هزینه‌های اجتماعی در آموزش عالی شده که همین امر نیز به افزایش منافع گروه‌های درآمدی بالا منجر می‌گردد. از سوی دیگر، فساد هزینه‌های بخش بهداشت را نیز بصورت ناکارآمد توزیع می‌کند چرا که وجود رشوه‌های بالاتر در ساخت و ساز بیمارستان و مراکز درمانی و خرید تجهیزات بهداشتی موجب می‌شود که هزینه‌های بهداشتی عمدتاً به این سمت سوق داده شده و از هزینه‌های پایین سری بخش بهداشت بویژه تأمین واکسن و دارو بکاهد.

### ۶- نقش بازدارندگی فساد در توسعه سرمایه‌گذاری (داخلی و خارجی)

اگر «قوانین بازی» در کشور فاسد نامشخص بوده و به سمت آشنابازی و روابط سوق یابد، اقشار

فقیر و کسانی که که از «رانت ارتباطی» کمتری برخوردارند، در تصمیمات سرمایه‌گذاری خود مجبورند ریسک اضافه‌تری را تحمل کنند و توزیع نابرابری از ناطمینانی در فعالیت‌های اقتصادی در چنین سیستمی حاکم خواهد بود. بنابراین، گروه‌های با سطح درآمد و ارتباطات پایین‌تر از فعالیت و سرمایه‌گذاری در منابع - انسانی، فیزیکی، سرمایه‌ای و زمین - باز خواهند ماند و نابرابری درآمدی و فقر نهادینه خواهد شد.

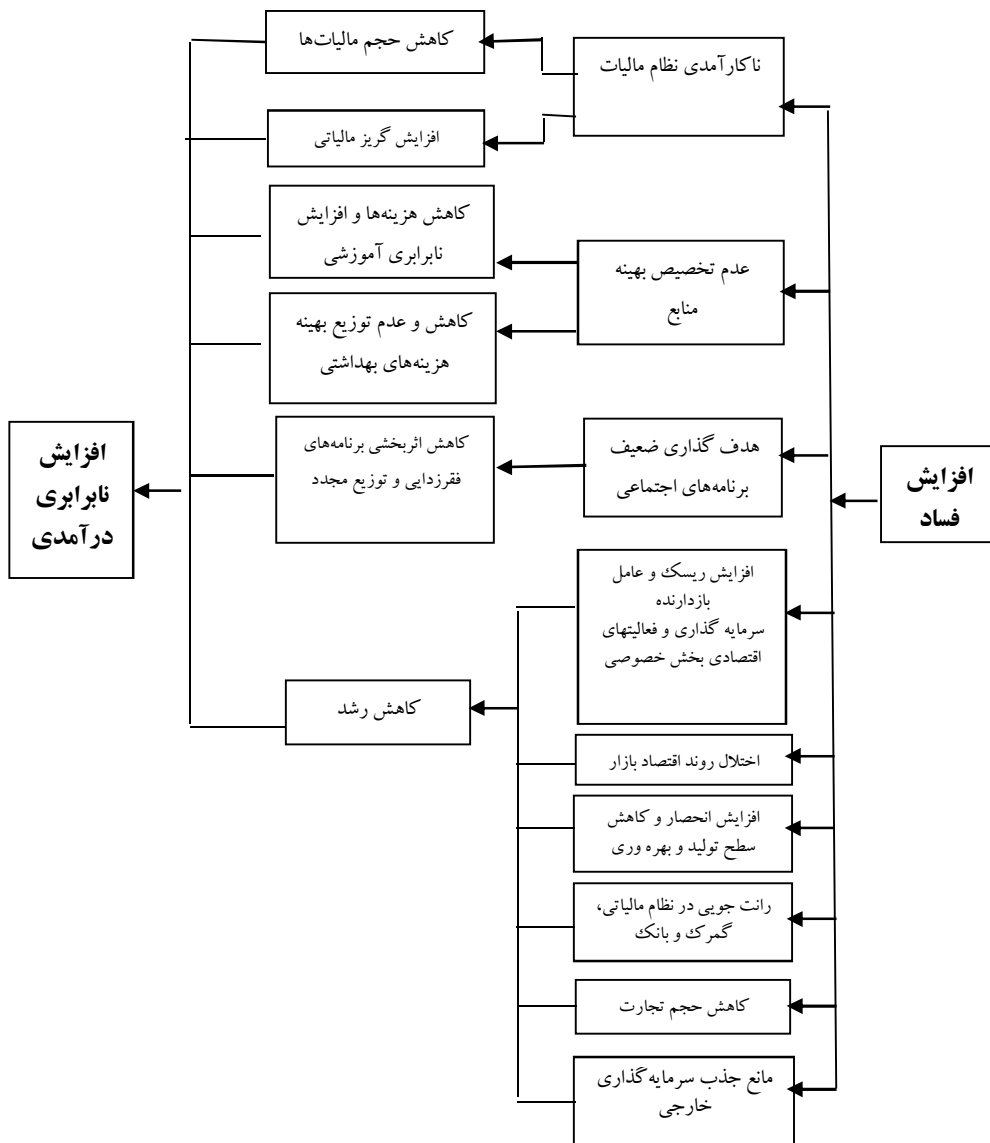
زمانی که مقررات اداری، تغییر یافته یا دستکاری می‌شود و در بعد اجرا بصورت آشفته و بی‌اثر درمی‌آید، مقام‌های دولتی به آسانی می‌توانند از طریق رشوه و امتیازهای شخصی، معافیت‌ها و مجوزهای فعالیت‌های سرمایه‌گذاری را به سوی بخش‌های فاقد بهره‌وری و برای طبقه خاصی از جامعه ارائه دهند و امکان فعالیت سرمایه‌گذاری را بصورت رقابتی از بین ببرند که همین امر زمینه و پتانسیل توسعه کشور را از بین برده و بر توزیع ناعادلانه درآمدها دامن خواهد زد. همچنین طبق مطالعات بلین هاردین (۱۹۹۳) انتظار می‌رود که بالا بودن سطح فساد، کل فرایند تصمیم‌گیری مربوط به پروژه‌های سرمایه‌گذاری عمومی را مختل کند، چرا که کسانی که منابع را تخصیص می‌دهند، ممکن است با ترجیح دادن پروژه‌های بزرگ و سرمایه‌بر و کنار گذاشتن پروژه‌های زیربنایی اجتماعی کوچک‌تر، فرصت‌های بهتری برای کسب درآمدهای غیرقانونی به دست آورند.

در ضمن، نتایج تجربی مطالعات مارو (۱۹۹۵)، برونتی، کیزونکو و ودر<sup>۱</sup> (۱۹۹۷)، برونتی و ودر<sup>۲</sup> (۱۹۹۸) نیز بر تأثیر منفی فساد بر سرمایه‌گذاری (درصدی از تولید) اشاره دارند. همچنین، بررسی‌های صورت گرفته توسط وای (۱۹۹۷) برای ۱۴ کشور منبع و ۴۵ کشور میزبان در سال‌های ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱ بیانگر تأثیر منفی محسوس فساد مالی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است.

۱- Brunetti, Kisunko and Weder, 1997

۲- Brunetti and Weder, 1997

لذا در کل، مسیرهای اثرگذاری فساد بر نابرابری درآمدی به صورت شکل زیر قابل تبیین است:



#### ۴- مطالعات تجربی

مروری بر ادبیات ارتباط فساد و نابرابری درآمدی به مطالعات جانسون<sup>۱</sup> (۱۹۸۹) برمی‌گردد که بر آثار فساد بر حفظ و حتی افزایش نابرابری در توزیع درآمدها متمرکز می‌باشد. از دیگر مطالعات مهم در این حوزه می‌توان به مطالعات لی و همکارانش<sup>۲</sup> (۲۰۰۰) اشاره نمود که بر پایه مبانی نظری بسط داده شده توسط مورفی و همکاران<sup>۳</sup> (۱۹۹۳) در خصوص رانت‌جویی و پیامدهای آن، به مدل‌سازی نحوه اثرگذاری فساد بر توزیع درآمدها می‌پردازند. نتایج مطالعات نظری لی و همکارانش به این موضوع اشاره دارد که در شرایطی که سطح فساد خیلی بالا یا خیلی پایین باشد، نابرابری در سطح پایینی خواهد بود و در صورتی که سطح فساد متوسط باشد، نابرابری افزایش خواهد یافت. در واقع، این نظریه مشابهه منحنی کوزنتز، بر اثرات  $U$  شکل وارونه‌ای فساد بر نابرابری تأکید دارد. البته علیرغم این نظریه محققان، آزمون تجربی این نظریه بر پایه اطلاعات و داده‌های آماری کشورها تأیید نگردید.

کارستت<sup>۴</sup> (۲۰۰۱) به بررسی رابطه بین نابرابری درآمد و فساد در ۳۵ کشور عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی پرداخته است. نتایج مطالعه نشانگر آن است که رابطه مستقیم بین نابرابری درآمد و فساد وجود دارد. همچنین رابطه بین نابرابری درآمدی در این کشورها به صورت غیرخطی می‌باشد. در این کشورها پس از رسیدن به نقطه خاصی از نابرابری درآمدی، فساد اداری به صورت تصاعدی کاهش پیدا می‌کند.

مارو<sup>۵</sup> (۲۰۰۲) در مطالعه خود از ترکیب دو شاخص فساد و رگرسیون چند متغیره در نمونه‌ای شامل ۱۰۶ کشور نشان می‌دهد که سطح بالای فساد با کاهش سرمایه‌گذاری، کاهش تولید

۱- Johnson, 1989

۲- Li et al. 2000

۳- Murphy et al 1993

۴- Karstedt, S. , 2001

۵- Mauro, 2002

ناخالص داخلی و سرانه آن همراه است. او نشان می‌دهد که اگر شاخص فساد یک کشور از مقیاس ۶ به ۸ بهبود یابد به افزایش ۴ درصدی نرخ سرمایه‌گذاری سالیانه منجر شده و تولید ناخالص داخلی ۱/۵ درصد رشد خواهد داشت.

گوپتا و همکارانش<sup>۱</sup> (۲۰۰۲) در مطالعه‌ای به بررسی علیت ارتباط از سوی فساد به نابرابری درآمدی می‌پردازند. بر اساس نتایج مطالعه محققان از نحوه و مکانیسم اثرگذاری فساد بر توزیع درآمد، ناکارآمدی نظام مالیاتی و گریز مالیاتی در شرایط بروز و گسترش فساد موجب افزایش نابرابری خواهد گردید. همچنین عدم تخصیص و توزیع بهینه منابع به سمت بخش‌های آموزشی و بهداشتی و اختلال در روند اقتصاد بازار در صورت افزایش رانت و فساد نیز از دیگر دلایل گسترش نابرابری درآمدی می‌باشند. در ضمن، محققان برای آزمون تجربی این فرضیه که فساد عامل تأثیرگذار بر نابرابری است، از مطالعه اقتصادسنجی بر اساس داده‌های مقطعی ۳۷ کشور افریقایی با لحاظ متغیر وابسته ضریب جینی و لحاظ شاخص فساد به عنوان متغیر توضیحی کنترلی استفاده می‌کنند و نتایج بدست آمده در کل تأییدی بر اثر معنی‌دار و مستقیم فساد بر ضریب جینی است.

سانگ و کاگرام<sup>۲</sup> (۲۰۰۵) در مؤخرترین مطالعه تحت عنوان «بررسی تطبیقی نابرابری و فساد» با تحلیل اقتصادسنجی روی ۱۲۹ کشور به آزمون علیت ارتباط بین فساد و نابرابری درآمدی می‌پردازند. در کل نتایج مطالعه تجربی محققان ارتباط دوسویه بین نابرابری و فساد را تأیید نمود، با این حال، اثرگذاری نابرابری درآمدی بر فساد از معنی‌داری بالاتری برخوردار بود.

دینسر و گان آلپ<sup>۳</sup> (۲۰۰۸) اثر فساد را بر نابرابری درآمد و فقر در ایالات متحده بررسی کردند. یافته‌های تحقیق نشان داد که افزایش در فساد به افزایش در نابرابری و فقر منجر خواهد شد. در مورد این مطلب که نابرابری درآمد نیز می‌تواند سطوح بالایی از فساد را ایجاد کند، یک توافق

۱- Gupta et.al 2002

۲- Jong-sung and Khagram , 2005

۳- Dincer, Gunalp, 2008



عمومی وجود دارد.

وو و ژو (۲۰۱۱) در مطالعه‌ای با استفاده از الگوی خودرگرسیون برداری به بررسی ارتباط بین متغیرهای نابرابری درآمد و فساد اداری در چین طی سال‌های ۲۰۰۹-۱۹۸۰ پرداختند. یافته‌های این مطالعه نشان داد که فساد اداری تأثیر منفی و معنی‌داری بر رشد اقتصادی و نابرابری درآمد دارد.

دوبسون<sup>۲</sup> (۲۰۱۲) در مطالعه‌ای با استفاده از روش داده‌های تابلویی به بررسی تأثیر فساد اداری بر نابرابری درآمد در کشورهای آمریکای لاتین طی سال‌های ۲۰۱۰-۱۹۹۵ پرداختند. آن‌ها در این مطالعه به این نتیجه رسیدند که افزایش فساد اداری منجر به افزایش نابرابری درآمد در این گروه کشورها شده است.

#### ۵- معرفی الگو، برآورد و نتایج

پس از بررسی‌های تئوریک نحوه اثرگذاری فساد بر نابرابری درآمدی و مروری بر مطالعات تجربی در این خصوص، در این بخش از مقاله سعی می‌گردد با بهره‌گیری از ادبیات موجود، الگوی توزیع درآمد با لحاظ متغیر توضیحی فساد معرفی و سپس برآورد گردد. قبل از اینکه مدل برآورد گردد باید به این مسأله اشاره نمود که علی‌رغم تلاش برای بهبود و رشد اقتصادی در کشورها، مسأله توزیع درآمد نیز به مرور در ادبیات اقتصادی مورد توجه و مطالعه قرار گرفته است، چرا که شواهد بیانگر این واقعیت است که لزوماً رشد اقتصادی منجر به توسعه نخواهد شد و رفع نابرابری‌ها به عنوان شاخصی مهم در توسعه کشورها به شمار می‌رود. از سوی دیگر، عدم توجه کافی به بحث توزیع درآمدها و افزایش شکاف طبقاتی، به مرور می‌تواند نقش بازدارنده‌ای فراروی رشد کشورها باشد. همین امر موجب گردیده که اقتصاددانان و سیاست‌گذارانی که به دنبال دستیابی به رشد و توسعه پایدار هستند به مسأله توزیع درآمد به اندازه مسأله رشد توجه

۱ - Wu, Y., & Zhu, J., 2011

۲ - Dobson, S., 2012

داشته باشند. لازم به ذکر است مطالعات انجام گرفته در حوزه توزیع درآمدها نیز طی سال‌های گذشته عمدتاً بر نحوه اندازه‌گیری، علل و پیامدهای نابرابری درآمدی متمرکز بوده است که در هر سه بخش پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای صورت گرفته است. در مقاله حاضر نیز سعی گردیده تا به نحوه و میزان اثرگذاری فساد بر توزیع درآمدها پرداخته شود که در بخش‌های قبلی مطالعات تجربی و نحوه تئوریک اثرگذاری فساد بر نابرابری اشاره گردید و در این بخش مقاله، هدف آزمون تجربی ارتباط بین فساد با نابرابری درآمدی است.

از سوی دیگر باید به این موضوع تأکید نمود که کشور ایران همسو با تحولات جهانی و منطقه‌ای، چشم‌اندازی را در افق بیست ساله برگزیده تا در سال ۱۴۰۴ ه.ش (۲۰۲۵ میلادی) به کشوری توسعه‌یافته در بین کشورهای آسیای جنوب غربی مبدل گردد. لذا کشوری که آرمان را ارتقای سطح توسعه یافتگی قرار داده و در بیان ویژگی‌های جامعه ایرانی در افق چشم‌انداز بر رفع نابرابری‌ها و تبعیض‌ها و توزیع و تخصیص عادلانه امکانات و درآمدها و منابع تأکید نموده است، باید به ارتقای سطح کلیه عوامل و شاخص‌های توسعه توجه نماید که یکی از مهمترین این شاخص‌ها، کاهش نابرابری درآمدی است. همانطور که اشاره شد یکی از این عوامل مهم و تأثیرگذار بر این متغیر نیز که در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته، نقش فساد مالی در افزایش نابرابری‌های درآمدی در جامعه می‌باشد. بر این اساس نیز مطالعه حاضر بدنبال پاسخ به سؤال و فرضیه زیر است:

سؤال تحقیق: اثرات فساد بر نابرابری درآمدی چگونه است؟

فرضیه: فساد مالی منجر به افزایش نابرابری درآمدی در جامعه می‌گردد.

از این رو، برای بررسی فرضیه تحقیق لازم است مدل نابرابری درآمدی بر اساس متغیرهای اصلی و کنترل تصریح شده و برآورد گردد. مطابق ادبیات تجربی، عواملی نظیر سیاست‌های مالی، پولی، رشد اقتصادی، درآمدهای مالیاتی، سیاست‌های اشتغالزایی، تحصیلات و ... به عنوان متغیرهای مهم توضیح‌دهنده توزیع درآمد معرفی شده‌اند. در مطالعه حاضر نیز سعی گردیده نحوه و میزان اثرگذاری فساد بر نابرابری درآمدی بررسی شود. برای این منظور نیز با توجه به

ادیات نظری و تجربی موجود و به منظور تصریح و برآورد مدل به روش اقتصادسنجی - روش پانل - سعی شد از عوامل فوق‌الذکر نظیر رشد درآمد سرانه، تورم، درآمدهای مالیات، میزان تحصیلات و ... به عنوان متغیرهای مستقل کنترلی در کنار متغیر اصلی فساد استفاده شود که مدل تصریحی رشد با لحاظ متغیرهای کنترل و اصلی بصورت زیر است:

$$gini_{it} = \alpha_{it} + \alpha_j \cdot [tax\_gdp_{it}, inf_{it}, corrupt_{it}, schooling_{it}, gdp - percapita_{it}, unemployment_{it}] + \varepsilon_{it}$$

در مدل توزیع درآمد فوق، تعریف متغیرها به ترتیب به شرح زیر می‌باشند:

*gdp - percapita*: نرخ رشد سالانه تولید سرانه

*inf*: رشد قیمت‌ها (تورم)

*Tax - gdp*: سهم مالیات از درآمد ملی

*corrupt*: شاخص فساد

*schooling*: نرخ باسوادی در جامعه

*unemployment*: نرخ بیکاری

بر اساس مدل تصریحی فوق‌الذکر و طبق مبانی نظری و تجربی نیز انتظار بر این است که با افزایش سطح فساد مالی و اقتصادی، سطح نابرابری در جامعه افزایش یابد. رشد قیمت‌ها، افزایش نرخ بیکاری و رشد جمعیت تأثیر مستقیم بر افزایش نابرابری درآمدی خواهد داشت و بالعکس، با افزایش سطح باسوادی جامعه، سهم مالیات از درآمد ملی و رشد تولید سرانه انتظار تئوریک بر بهبود وضعیت توزیع درآمد و کاهش سطح نابرابری درآمدی است.

داده‌های مورد استفاده در این مقاله به منظور برآورد مدل تصریح شده نیز برای مجموعه کشورهای منتخب آسیای جنوب غربی<sup>۱</sup> طی دوره زمانی ۲۰۱۳-۲۰۰۹ می‌باشند. همچنین آمارها

۱- کشورهای آسیای جنوب غربی شامل کشورهای ذیل می‌باشند: ۱- ایران ۲- قزاقستان ۳- پاکستان ۴- ترکیه ۵- افغانستان ۶-

و اطلاعات از منابع رسمی و مراجع بین‌المللی نظیر بانک جهانی، سازمان ملل، سازمان بین‌المللی شفافیت، Penn World Table و Business International Corporation جمع آوری شده‌اند.

برای برآورد مدل نابرابری درآمدی با استفاده از روش پانل دیتا باید ضمن آزمون و برطرف نمودن مشکل ناهمسانی واریانس، آزمون‌های ریشه واحد متغیرها، همگرایی مدل و نوع روش تخمین پانل دیتا نیز بررسی گردند. به منظور برطرف کردن مشکل احتمالی ناهمسانی واریانس از روش وایت استفاده شد تا بهنگام برآورد مدل، در صورت وجود ناهمسانی واریانس در مدل، این مشکل را برطرف نماید. سپس آزمون ریشه واحد برای متغیرهای مستقل و وابسته انجام شد که در جدول شماره (۱) گزارش شده است. با توجه به نتایج بدست آمده، تمامی متغیرهای مدل براساس آماره‌های لوین-لین و نیز ایم، پسران و شین، مانا می‌باشند.

جدول (۱)- آزمون ریشه واحد برای متغیرها

متغیرها	آماره $Levin, Lin \& Chu t^*$	آماره $Im, Pesaran \& Shin W - stat$
inf	-۸/۹۸	-۵/۳
corrup	-۱۲/۷۴	-۷/۳۱
gdpgrowth	-۲۴/۷۳	-۶/۱۸
Tax - gdp	-۶۲/۰۶	-۱۴/۸۲
Unemployment	-۲۳/۸۶	-۶/۷۳
schooling	-۷/۸۱	-۴/۱۱
gini	-۱۳/۳۶	-۹/۱

پس از بررسی مانایی متغیرهای توضیحی و وابسته، لازم است نوع روش تخمین مشخص گردد.

بنابراین، ابتدا برای تعیین وجود (یا عدم وجود) عرض از مبدأ جداگانه برای هر یک از جفت کشورها از آماره  $F$  استفاده شد. آماره  $F$  محاسبه شده برای «الگوی نابرابری درآمدی» با لحاظ متغیرهای توضیحی کنترل فساد، تورم، رشد تولید سرانه، نرخ باسوادی در جامعه، سهم مالیات‌ها از درآمد ملی و نرخ بیکاری برابر ۵/۱۶ بدست آمد نتیجه دال بر رد فرضیه صفر (یعنی حداقل مربعات معمولی) بود. سپس، برای آزمون اینکه مدل رشد با بهره‌گیری از روش اثرات ثابت یا اثرات تصادفی برآورد گردد، از آزمون هاسمن ۱۹۸۰ (Hausman Test) استفاده شد با توجه به اینکه احتمال ( $P$ -Value) آماره هاسمن با توزیع کای-دو و درجه آزادی ۶ در حدود ۰/۰۲ محاسبه شد و کوچکتر از یک دهم است، که نتیجه این آماره معنی‌دار نبود. به همین منظور نیز روش اثرات ثابت برای تخمین مدل رشد تأیید گردید. با توجه به آماره  $F$  برای الگوی تصریحی ضریب جینی که دال بر رد استفاده از روش حداقل مربعات معمولی و نیز آزمون هاسمن که بیانگر تأیید بکارگیری روش اثرات ثابت در برآورد بودند، به بررسی همگرایی بر اساس مانایی پسماند مدل برآورد شده پرداخته شد. در مجموع طبق نتایج جدول شماره (۲)، آزمون‌ها از وجود همگرایی متغیرها گواهی می‌دهند.

جدول (۲) - آزمون ریشه واحد برای پسماند مدل

متغیرها	آماره $Levin, Lin \& Chut^*$	آماره $Im, Pesaran \text{ and } Shin W - stat$
الگوی نابرابری درآمدی	-۵/۴۶	-۳/۵

با توجه به آزمون‌های مختلف جهت تصریح کارای الگوهای نابرابری درآمدی، نتایج برآورد مدل بصورت زیر گزارش می‌شود:

جدول (۳) - مدل توزیع درآمد (کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی) متغیر وابسته: ضریب جینی

متغیرهای توضیحی	روش برآورد: حد اقل مربعات پولینگ
inf: رشد قیمت ها (تورم)	۰/۱۷۰ (۲/۹۸)
corrupt: شاخص فساد	۰/۷۳۶ (۲/۲۸)
gdp - percapita: نرخ رشد سالانه تولید سرانه	-۰/۲۴۳ (-۲/۹۹)
Tax - gdp: سهم مالیات از درآمد ملی	-۰/۰۱۱ (-۱/۵۷)
Unemployment: نرخ بیکاری	۰/۱۷۱ (۲/۱۸)
schooling: نرخ باسوادی در جامعه	-۰/۱۴۵ (-۵/۶۵)
ضریب تعیین	۰/۹

نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که در مدل تصریح شده فوق، تمام ضرایب از علائم مورد انتظار برخوردار هستند (طبق انتظار تئوریک می‌باشند) و از لحاظ آماری نیز کلیه متغیرها در سطح معنی‌داری قابل قبول گزارش شده‌اند. ضریب تعیین مدل نیز در حدود ۹۰ درصد برآورد شده که بیانگر برازش مناسب مدل بوده و متغیرهای مورد استفاده در مدل از قابلیت توضیح‌دهندگی بالایی برای شاخص ضریب جینی برخوردار می‌باشند.

در مجموع، نتایج بدست آمده از برآورد الگوی توزیع درآمد در خصوص متغیر اصلی فساد مالی تأکیدی بر ارتباط معنی‌دار و مستقیم بین میزان فساد با ضریب جینی کشورهای منطقه است، به گونه‌ای که افزایش یک واحد فساد در بین کشورهای منطقه بطور متوسط در حدود ۰/۷۳۶ واحد شاخص ضریب جینی آنها را افزایش داده است.

همچنین نتایج تخمین برای متغیرهای کنترل بیانگر این است که (۱) همانطور که انتظار می‌رفت رشد قیمت‌ها و افزایش میزان تورم منجر به افزایش نابرابری درآمدی و بدتر شدن وضعیت توزیع درآمد این کشورها خواهد شد. (۲) نتایج در طی دوره مذکور نشان از این دارد که بهبود عملکرد اقتصادی و رشد تولید سرانه با علامت منفی باعث بهبود وضعیت توزیع درآمد کشورهای منطقه شده است. (۳) با افزایش درآمدهای مالیاتی میزان نابرابری‌های درآمدی کاهش می‌یابد به گونه‌ای که یک واحد افزایش مالیات (درصدی از درآمد ملی) در حدود ۰/۰۱۱ واحد ضریب

جینی کشورهای منطقه را کاهش داده است. ۴) بهبود وضعیت اشتغال بهبود وضعیت توزیع درآمد کشورهای منطقه را در پی داشته و طبق نتایج تخمین، یک واحد افزایش نرخ بیکاری در حدود ۰/۱۷۱ واحد ضریب جینی را افزایش داده و شکاف طبقاتی را بیشتر خواهد کرد. ۵) بالاخره، با بهبود نرخ باسوادی در جامعه، وضعیت توزیع درآمد کشورهای منطقه بهبود می‌یابد به گونه‌ای که یک واحد افزایش نرخ باسوادی جامعه در حدود ۰/۱۴۵ واحد ضریب جینی را کاهش می‌دهد.

### جمع‌بندی و توصیه‌های سیاستی

تجارب و شواهد تاریخی نشان می‌دهد که بسیاری از کشورهای جهان سوم در دهه ۵۰ و ۶۰ میلادی تا حدودی به اهداف رشد اقتصادی مدنظر سازمان‌های بین‌المللی (سازمان ملل متحد و بانک جهانی) دست یافتند ولی در بیشتر این کشورها، در سطح زندگی و رفاه اقتصادی طبقات جامعه تغییری ایجاد نگردید. ثروت و درآمد به نحو غیرعادلانه‌ای توزیع شد و اختلافات و تعارضات اجتماعی به سبب تشدید فاصله و شکاف طبقاتی بیشتر شد. لذا لزوم ارائه تعریف جدیدی از توسعه احساس شد. تعریفی که باید ضمن دربرگیری رشد اقتصادی، تکلیف پدیده‌هایی نظیر فقر و بیکاری و نابرابری اقتصادی و درآمدی را روشن سازد، چرا که اگر رشد اقتصادی افزایش یابد ولی به موازات آن نابرابری‌های اقتصادی نیز رشد کند، نمی‌توان این شاخص‌ها را بیانگر بهبود اوضاع اقتصادی و رفاه جامعه دانست.

با تغییر رویکرد ادبیات اقتصادی از رشد محض به سمت رشد همراه با عدالت و توزیع عادلانه، مطالعات متعددی در خصوص توزیع درآمد و شاخص‌ها و معیارهای اندازه‌گیری آن، عوامل اثرگذار و پیامدهای حاصل از نابرابری انجام گرفت و روزه روز نیز در حال کامل‌تر شدن است. مروری بر مطالعات انجام گرفته در زمینه علل نابرابری درآمدی بیانگر این است که ناکارآمدی نظام مالیاتی، رشد اقتصادی پایین، وجود انحصارات، ناکارآمدی در نحوه توزیع و تخصیص منابع و امکانات، افزایش شدید قیمت‌ها و اقتصاد غیررسمی از جمله مهمترین عوامل اثرگذار بر

بحث توزیع درآمدی می‌باشند. در مقاله حاضر نیز سعی شد تا به نحوه و میزان اثرگذاری فساد بر توزیع درآمد پرداخته شود. برای این منظور، ضمن تبیین نحوه و مکانیسم اثرگذاری فساد بر نابرابری درآمدی و مروری گذرا بر ادبیات موجود در این زمینه، برای آزمون فرضیه «فساد مالی منجر به افزایش نابرابری درآمدی در جامعه می‌گردد»، از الگوی اقتصادسنجی پانل برای نمونه کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی با لحاظ متغیر وابسته نابرابری درآمدی و متغیر مستقل اصلی فساد در کنار سایر متغیرهای توضیحی اثرگذار بر توزیع درآمد استفاده شد. نتایج برآورد مدل بیانگر تأیید فرضیه مقاله می‌باشد و نشان می‌دهد که با کاهش فساد در بین کشورهای منطقه، وضعیت توزیع درآمدی این کشورها نیز بهبود خواهد یافت. در ضمن، رشد اقتصادی، افزایش سهم درآمدهای مالیاتی و بهبود وضعیت اشتغال در کنار سیاست‌های کاهش تورم موجب کاهش شکاف طبقاتی و توزیع بهتر و عادلانه‌تر درآمدها و ثروت خواهد شد.

بدیهی است که برای بهبود وضعیت توزیع درآمدی در کشورهای در حال توسعه و توسعه‌نیافته، شناسایی ریشه‌ها و علل شکاف‌های درآمدی بسیار حائز اهمیت است. عوامل و پارامترهای اقتصادی و حتی اجتماعی و سیاسی زیادی در نابرابری‌های درآمدی تأثیرگذار می‌باشند که شناسایی تمامی آنها در این مقاله میسر نبوده است. بلکه تحقیق حاضر تنها توانسته است در کنار بررسی نظری و تجربی نقش و نحوه اثرگذاری فساد بر نابرابری درآمدی، سایر عوامل مهم اقتصادی را نیز شناسایی و معرفی نماید. از این رو، برای کنترل و کاهش شکاف و نابرابری‌های درآمدی می‌توان بر مبنای یافته‌های تحقیق، توصیه‌های سیاستی زیر را ارائه کرد:

- ریشه‌کنی فساد و شناسایی ریشه‌های گسترش فساد و مبارزه جدی با این معضل؛
- توجه جدی به مقوله بیکاری و اتخاذ سیاست‌های مناسب اشتغال‌زا جهت کاهش آن؛
- برنامه‌ریزی مناسب جهت رشد و توسعه اقتصادی و بهبود وضعیت اقتصادی اقشار جامعه؛
- اجرای سیاست‌های فقرزدایی مناسب به شیوه‌های ممکن؛
- اتخاذ سیاست‌های پولی انقباضی و مقابله با عوامل تورم‌زا؛
- کنترل نرخ رشد جمعیت با بهره‌گیری از سیاست‌های فرهنگی؛



- اصلاح نظام مالیاتی و جلوگیری از فرار مالیاتی و تلاش برای افزایش سهم درآمدهای دولت از مالیات؛

در کنار توصیه‌های سیاستی فوق، توجه و انجام مطالعات پژوهشی در خصوص بررسی دیگر عوامل اجتماعی و اقتصادی تأثیرگذار بر توزیع درآمد در شناسایی علل و کنترل آن بسیار مؤثر خواهد بود.

### منابع

- رهبر، فرهاد؛ میرزاوند، فضل‌الله و زال‌پور، غلامرضا (۱۳۸۱)، *بازشناسی عارضه فساد مالی، ماهیت، گونه‌ها، پیامدها و آموزه‌های تجربی*، جهاد دانشگاهی دانشکده اقتصاد تهران، تهران: مؤسسه نشر جهاد.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶)، *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی بنای آینده‌ای مطمئن برای آسیای جنوب غربی*، مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- Alesina, Alberto and Dani Rodrik (1994), "Distributive Politics and Economic Growth", *Quarterly Journal of Economics*, 109. 465-490.
- Birdsall, N. and J.L. Londono (1997), "Asset Inequality Matters: An Assessment of the World Bank's Approach to Poverty Reduction," *American Economic Review* 87: 32-37.
- Brunetti, A., G. Kisunko and B. Weder (1997a), Institutional obstacles to doing business: region-by-region results from a worldwide survey of the private sector, *World Bank Policy Research Working Paper*, No. 1759
- Dobson, S., & Dobson, C. R. (2012), Why is corruption less harmful to income inequality in Latin America, *World Development*, 40(8), 1534 - 1545.
- Fields, G. S., Leary, J., López Calva, L., and Pérez de Rada, E. (1998) "Education's Crucial Role in Explaining Labor Income Inequality in Urban Bolivia". *HIID Development Discussion Paper*, No. 658. Harvard University.
- Gupta, S., Davoodi, H. and Alonso-Terme, R. (2002), Does Corruption Affect Income Inequality and Poverty? *Economics of Governance*, Vol. 3, pp. 23-45.
- Gupta, Sanjeev, Hamid Davoodi, and Rosa Alonso-Terme (1998), Does Corruption Affect Income Inequality and Poverty? *IMF Working Paper* (May 1998), Washington D.C
- Johnston, Michael (1989), "Corruption, Inequality, and Change", pp. 13-37 in *Corruption, Development and Inequality*, edited by P. Ward. London and New York: Routledge.

- Kuznets, Simon(1955), "Economic Growth and Income Inequality." *American Economic Review* 45: 1-28
- Lambsdorff, J. G.(1998b), "*An Empirical Investigation of Bribery in International Trade*".
- Li, Hongyi, Lixin Colin Xu, and Heng-Fu Zou(2000), "Corruption, Income Distribution, and Growth", *Economics and Politics* 12: 155-82.
- Li, Hongyi, Lyn Squire, and Heng-fu Zou(1998), "Explaining International and Intertemporal Variations in Income Inequality", *Economic Journal* 108:26-43.
- Mauro, Paolo(1997), *The Effects of Corruption on Growth, Investment and Government Expenditure: A Cross-Country Analysis, In Corruption and the Global Economy*, ed. By Kimberly Ann Elliot (Washington: Institute for International Economics)
- Murphy. Kevin M., Andrei Shleifer, Robert W. Vishny(1993), *The American Economic Review*, Vol. 83, No. 2, 409-414. May, Why Is Rent-Seeking So Costly to the Growth.
- Persson, T., and G. Tabellini(1994), "Is Inequality Harmful for Growth?" *American Economic Review* 84: 600-621.
- Ravallion, Martin(1997), Can High-Inequality Developing Countries Escape Absolute Poverty?, *Economics Letters*, Vol 56 (September), pp.51-57.
- Robinson, M. (ed), *Corruption and Development*, (40-59), London: Frank Cass Publishers.
- Wei, S.J.(2000), *Natural Openness and Good Government*, NBER Working Paper 7765, Cambridge, MA. <http://www.nber.org/papers/w7765>
- Wu, Y., & Zhu, J. (2011), Corruption, Anti-Corruption, and Inter-County Income Disparity in China, *The Social Science Journal*, 48(3), 435- 448.
- You, Jong-Sung and Sanjeev Khagram(2005), "A Comparative Study of Inequality. and Corruption", *American Sociological Review* 70 (1): 136-157.